

نمایش ساختارهایی

نگاهی به نمایشگاه آثار تصویری کامشاد کوشان در گالری آریا

فاطمه شاهرودی

براساس نمایش فیلم صورت گرفته و کلیه تحولات سوژه را دربرمی‌گیرد».

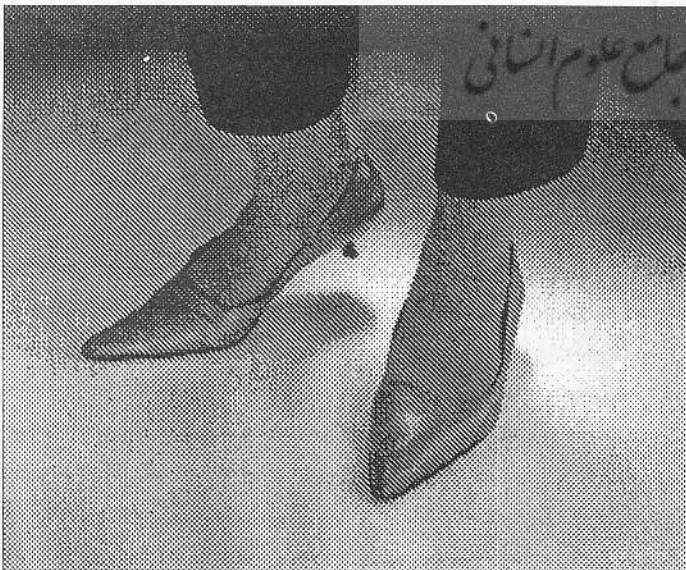
در قسمت نمایش ویدئویی، تصاویر واجد ساختاری است که می‌توان آن را براساس تعریفی که ارسطو از چگونگی ساختار یک رویداد به دست می‌دهد، تفسیر کرد. از دیدگاه ارسطو، نقشه داستانی Plot یا چگونگی سامان دادن به رویدادهای یک نمایش، شامل سه مرحله اصلی است. در قسمت اول Beginning زمینه‌چینی حوادث انجام می‌شود و «گره» complication که همان درگیری شخصیت داستان با عوامل بازدارنده است مطرح می‌گردد. در قسمت میانی Middle شخصیت سعی در حل معما و باز کردن گره می‌کند. در قسمت سوم یا آخر End، درگیری شخصیت داستان با عوامل بازدارنده خاتمه می‌یابد و در واقع داستان شکل پایانی خود را پیدا می‌کند. در این قسمت شاهد تحول و دگرگونی شخصیتی هستیم که به تأثیر از حوادث داستان پدیدار شده است. آنچه در قسمت نمایش ویدئویی می‌بینیم شباهت فراوان با چنین الگویی دارد. در این بخش، عکس‌ها به وسیله تصاویر سیاهی به سه قسمت تقسیم می‌شوند. در مرحله اول، چندین عکس از پایی را می‌بینیم که در حالت‌ها و فرم‌های مختلف تصویر شده است. در مرحله دوم که با تصویر سیاهی از مرحله اول جدا می‌شود، عکس‌ها نمایانگر تلاش سوژه در جهت رهایی از قید کفش هستند و سرانجام در مرحله سوم، فرم‌ها و حالت‌های مختلف

نهایت از دیگران دور می‌شود. با نگاهی دوباره به پا نسبت به خود و سپس جهان پیرامونش آگاهی بیشتری یابد».

در قسمت نمایش ویدئویی که حکایت از پیشینه و دغدغه‌های او در حوزه سینما دارد، پس از شنیدن صدای زنگ و یک دقیقه وقفه، عکس‌هایی با سوژه پا که در حالت‌ها و فرم‌های مختلف، تصویر شده‌اند همراه با موسیقی و در فضایی نیمه‌تاریک توسط ویدئو به نمایش در می‌آید. پس از اتمام نمایش عکس‌ها که حدود پنج دقیقه به طول می‌انجامد باز دیدکنندگان به سالن دیگری که برخی از همان عکس‌ها (پنج عکس) در آن به نمایش گذاشته شده هدایت می‌شوند. هنرمند در خصوص نمایش دوباره برخی از عکس‌ها پس از پخش ویدئویی می‌گوید: «چون برخی جزئیات در نمایش ویدئویی به چشم نمی‌آید، برایم مهم بود که مخاطب نمونه چاپی اصلی و ملموس‌تر عکس‌ها را ببیند. در ضمن می‌خواستم مشخص شود که هیچ نوع تغییر دستی و یا افکت تصویری و کامپیوتری در عکس‌ها انجام نشده است. اما انتخاب عکس‌ها

نمایشگاهی از آثار تصویری کامشاد کوشان با عنوان «به پا!» تیرماه امسال در گالری آریا برگزار شد. به سختی می‌توان گفت که نمایشگاه او، آثاری در زمینه عکاسی است و یا باید آن را بخشی از فعالیت‌های او در زمینه سینما دانست. شاید به همین دلیل هم باشد که وی عنوان «نمایشگاه آثار تصویری» را برگزیده است. کامشاد کوشان در امریکا زندگی می‌کند و بی‌تردید تحصیل و تدریس در زمینه سینما، همچنین تجربیات او در زمینه فیلم‌سازی، عکاسی و داستان‌نویسی تأثیری انکارناپذیر بر چگونگی ساختار نمایشگاه وی نهاده است. به عبارت دیگر نمایشگاه تصویری وی - که می‌توان آن را در ذیل جریان کلی هنر مفهوم‌گرا مورد بررسی قرار داد - حاصل و برآیند فعالیت‌های او در سه زمینه عکاسی، سینما و داستان‌نویسی است. کوشان در بیان هنری خود و پرداخت موضوع، علاوه بر ارائه عکس‌ها، از نمایش ویدئوپروجکشن Video Projection آن‌ها نیز بهره گرفته است. اگرچه این شیوه تازگی خود را از دست داده است و به علت محدودیت‌هایی که دارد کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، باین‌همه برای نحوه بیان و ایجاد فضایی که کوشان در پی نمایش آن بوده هنوز کارکرد خود را دارد و از جاذبه‌های تصویری و تجسمی تهی نشده است. در واقع نمایشگاه او از همین دو جزء به هم پیوسته تشکیل شده است و مخاطب در دو فضای متفاوت، اما مکمل قرار می‌گیرد.

بیست و پنج عکس که سوژه اصلی آن «پا» است، ساختار اصلی مجموعه آثار تصویری او را تشکیل می‌دهد. خود هنرمند در توضیح گزینش «پا» به عنوان سوژه اصلی می‌گوید: «پا به عنوان عضو مهمی از بدن که باعث می‌شود بتوانیم بایستیم، به مکان‌های گوناگون بردیم و با افراد مختلف آشنا شویم، بخشی از کلیت بدن انسان را تشکیل می‌دهد؛ امیدوارم انسانی که در روزمرگی جامعه شهری ابتدا از بدن خود و در نتیجه از خودش و در





پا، اما این بار بدون کفش تصویر شده‌اند. در واقع پا تبدیل به شخصیتی می‌شود Personification که در روند زیست خود به آگاهی می‌رسد، تصمیم می‌گیرد و در نهایت خود را رها می‌سازد.

از دیگر ویژگی‌های نمایشگاه کوشان روابط فرمی و بصری میان عناصر و سازه‌های عکس‌هاست که به‌نحو آگاهانه و ظریفی با تغییرات و تحولات سوژه همسو شده و در هماهنگی کامل با آن قرار می‌گیرد. در واقع به‌تدریج که طبق تعریف ارسطو نقطه اوج یا Climax نزدیک می‌شویم، القای حرکت و پویایی توسط عناصر بصری در هر تصویری نسبت به تصویر قبل بیشتر می‌شود. همچنین رنگ که در تصویر اول محدود به دو رنگ سیاه و سفید بود تنوع بیشتری می‌یابد تا جایی که پس از رهایی سوژه از قید کفش، تبدیل به یکی از عناصر بصری اصلی هر فریم شده و حتی در تصاویر آخر نقشی سمبلیک و بیانی را ایفا می‌کند. نورپردازی هر تصویر نیز به این روند کمک می‌کند؛ به‌طوری که در آخرین تصویر، نور مصنوعی و به‌دقت کنترل شده با ایجاد کنتراستی غیرطبیعی و خلق رنگ‌های مصنوعی، نمایی متفاوتی و غیرزمینی را به‌نمایش می‌گذارد و چنین به‌نظر می‌رسد که سوژه حتی از قید زندگی دنیوی و این‌جهانی نیز خود را رها کرده است. نمایش تصاویر در مقیاس بزرگ نیز درک متعارف ما را از سوژه دگرگون می‌کند و سبب می‌شود تا برای چند لحظه هم که شده وجود و حضور آن را به‌عنوان شخصیتی مستقل باور کنیم.

به‌عبارت دیگر، تغییرات رنگ، نور، بافت، نحوه آرایش اشیاء و دیگر عناصر بصری فضایی را خلق و القاء می‌کند که ترجمه و توجیه بصری جرأت و جسارتی است که سوژه در سیر تحولات و تغییرات خود بدان دست می‌یابد و این امر در نهایت، به‌ساخت و تسلط هنرمند بر ساختار اثرش تعبیر می‌شود.

استفاده هنرمند از برخی عناصر طبیعی مانند گلبرگ و پرتقال نقشی دوگانه را در ساختار کار ایفا می‌کند. به‌بیان دیگر این عوامل را می‌توان در حیطه عناصر بصری و فرمی، و در عین حال در نقش سمبل، مورد خوانش‌های مختلف قرار داد. از همین موضع و منظر می‌توان رنگی را که در بخش سوم روی «پا» پاشیده شده نشانه خون دانست و آن را نماد روبه‌رو شدن سوژه با قید و بند یا گریه تازه

آزادی یا تلاش در جهت رهایی از قید و بند است، اما مفهوم آزادی در اثر او مصداق خاصی ندارد و بر قید و بند خاصی هم تأکید نمی‌شود. اما در فرایندهای کار بستری فراهم می‌آید تا در آن برداشت‌های مختلف شکل بگیرد و مخاطب بتواند با استفاده از روایت پا، قصه شخصی یا برداشت شخصی خود را شکل دهد. برداشت شخصی مخاطب می‌تواند با تکیه بر مفهوم رهایی از قید و بند، طیفی گسترده از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دربرگیرد. این طیف، از جنبش‌های فمینیستی و صدنژادپرستانه گرفته تا بسیاری از مسائل روز جهان و حتی قید و بندهای زندگی شخصی و روزمره مخاطب را در برمی‌گیرد. حتی می‌تواند حدیث نفس خود هنرمندی باشد که می‌خواهد با کنار نهادن قیدها و دغدغه‌های شخصی، آغازی نو را در زادگاهش تجربه کند و فعالیت‌های هنری خود را به عرصه‌ی دیگر بکشاند.

به‌رحال می‌توان گفت که هدف کوشان، ایجاد ارتباط با مردمی است که در زندگی روزمره خود به‌نحوی درگیر قید و بندهای گوناگون هستند. روایت پا، تلنگری است به ذهنیت همین مردم تا به آگاهی برسند. □

به‌شمار آورد. شاید حاکی از توانایی باشد که او در ازای آزادی خود می‌پردازد. خود هنرمند در این باره می‌گوید: «بعد از رهایی پا و آزاد شدن آن از قید کفش، بازی فرم و محتوی، با استفاده از عناصر طبیعی مانند گلبرگ و میوه، نمایانگر بازی‌ها و آزمایشگری‌های سوژه پس از رهایی است.»

توالی خاصی که در نمایش عکس‌ها به‌کار گرفته شده، فضای نیمه تاریک سالن، ابعاد بزرگ تصاویر که با ضرباهنگ منظم و حساب شده، یکی پس از دیگری به‌نمایش درمی‌آید و موسیقی خاصی که همراه نمایش تصاویر به‌گوش می‌رسد، همه و همه فضایی را ایجاد می‌کند که در آن مخاطب برای ایجاد ارتباط منطقی بین اجزا، با تکاپویی ناخودآگاه در ذهن خود درگیر می‌شود و در جست‌وجوی روایت و قصه‌ی و یا دست‌کم حدیث نفسی برآید، اما آنچه می‌یابد، یا می‌سازد، روایت یا قصه خاصی نیست که هنرمند سعی در بازگویی آن داشته باشد بلکه قصه‌ی است که هر مخاطب براساس ذهنیت خود برداشت می‌کند. در واقع هنرمند با به‌کارگیری درست و سنجیده عناصر بصری، مخاطب را وادار به روایت‌سازی و روایت‌گری می‌کند و خودبه‌خود روایت آن‌ها گوش می‌سپارد. اگرچه اولین مفهومی که از نمایشگاه کوشان به مخاطب القاء می‌شود مفهوم